

الگوی امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

بهرام اخوان کاظمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۲/۲۲

فصلنامه آفاق امنیت/ سال هشتم / شماره بیست و ششم - بهار ۱۳۹۴

چکیده

جمهوری اسلامی ایران نظامی مکتبی و توحیدی است و بسیار بدیهی است که برای ترسیم الگوی امنیتی این نظام سیاسی به منابع اصیل اسلامی همانند قرآن کریم مراجعه شود. به همین دلیل و در راستای دستیابی به چنین الگوی قرآنی، در مقاله حاضر مفهوم، جایگاه و ابعاد مهم امنیت، و سازوکارهای تأمین آن بر مبنای قرآن کریم تبیین و ضمن اشاره‌هایی به دیدگاه امام خمینی(ره)، تلاش شده است نشان داده شود که این کتاب آسمانی و به تبع آن، اندیشه امام خمینی(ره) و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارای دیدگاه متعالی، مدرن و کارآمد درباره مفهوم متحول و پیچیده امنیت، به ویژه در ابعاد همه‌جانبه معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و ... است. در تبیین الگوی قرآنی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران باید اذعان کرد که از یکسو، ایمان و امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تمام ابعاد امنیت و سازوکارهای تأمین آن بوده، بین این ابعاد و سازوکارها، هم‌پیوندی و توازن عمیقی برقرار است؛ ضمن آنکه هرگونه امنیتی در هر بُعد از ابعاد آن، در نهایت، ریشه در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان، مانند: شرک، کفر، ظلم، استکبار و ... برمی‌گردد. از سوی دیگر، مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست و می‌توان در استنتاج نهایی گفت که بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد در حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی و دوری کردن آنها از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار برای برقراری امنیت، در الگو و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی

مکتب امنیتی، الگوی امنیت، جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، حیات طیبه

مقدمه

امنیت از مفاهیم و اهداف عمده در شریعت و نظام اسلامی محسوب می شود که مبنا و غایت این مفهوم نیز توحیدی است. از منظری دیگر، یکی از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... موضوع و مفهوم امنیت است. مفهوم مذکور و ابعاد آن همانند امنیت ملی، از مفاهیم بسیار مهم و متطور جهان امروز است. به تعبیر رابرت ماندل، «معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است» (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۷). البته بحث امنیت در فقه و معارف اسلامی فاقد بخش، کتاب و باب مستقلی بوده و در حوزه موضوعاتی مانند: ایمان، صفات مؤمنین، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، جهاد، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانت‌داری، برخورد با اشرار و محاربان و یاغیان و مفسدان و جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان، نوع تعامل با کفار و مشرکین و غیره مطرح شده است. بدین لحاظ بدیهی است با چنین ضعف‌هایی در حوزه فعالیت‌های تئوریک، تدوین الگوی امنیتی جمهوری اسلامی، هم کاری دشوار و هم از ضرورت ویژه‌ایی برخوردار است. به همین دلیل و در راستای پاسخ به این نیاز مبرم، پژوهش حاضر به عنوان نوشتاری مدخل‌گونه و در راستای تنویر، تفصیل، تبویب و تدوین الگوی امنیتی جمهوری اسلامی و براساس نگرش‌های قرآن کریم انجام شده است و نیم‌نگاهی هم به اندیشه‌های امام خمینی (ره) دارد؛ آن‌هم بدین دلیل که نظام مذکور براساس اصل دوم قانون اساسی خویش نظامی توحیدی و بر پایه ایمان به موارد زیر است:

۱. خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛
۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛
۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛
۴. عدل خدا در خلقت و تشریح؛
۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛
۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (قانون اساسی، ۱۳۸۸: ۶).

سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان به اختصار این‌گونه بیان کرد:
«آیا امنیت و انواع، ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در الگوی امنیتی جمهوری



اسلامی - با استناد به منابع قرآنی - تعریف شده است؟ از این منظر، چه ارتباط و پیوندی میان ابعاد امنیت وجود دارد و شاکله آن بر چه مبنایی استوار است؟ همچنین سازوکارهای تأمین امنیت در تمام ابعاد آن کدام است؟»

این پژوهش مدعا و فرضیه خود را این‌گونه مطرح می‌سازد: «به نظر می‌رسد مفهوم امنیت و تبیین ابعاد گوناگون آن، در قرآن کریم و به تبع آن در الگوی امنیتی جمهوری اسلامی تعریف شده است. در این الگو؛ ایمان و امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تمام ابعاد امنیت و سازوکارهای تأمین آن بوده، بین این ابعاد، هم‌پیوندی و توازنی عمیق برقرار است و هرگونه قوت یا ضعف و ناامنی در یک بُعد بر سایر ابعاد و حوزه‌ها کاملاً مؤثر است. ضمن آنکه هر گونه امنیتی در هر بعد از ابعاد آن، در نهایت ریشه در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند: شرک، کفر، ظلم، استکبار و ... برمی‌گردد. از یک‌سو، مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست و می‌توان در استنتاج نهایی گفت که بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد در حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی و ابتعاد آنها از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار تأمین امنیت در الگوی امنیتی جمهوری اسلامی است.» مقاله حاضر با روش تحلیلی - اسنادی به دنبال آزمون این فرضیه و در نتیجه، تبدیل آن به یک نظریه^۱ است و در اثبات مدعای خود تلاش کرده است ولو به صورت گذرا، مؤیداتی اثباتی از اندیشه امام خمینی (ره) را بیان کند.

شایان ذکر است با توجه به گستردگی ابعاد امنیت، مدعای این نوشتار تنها در برخی ابعاد معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی و نظامی امنیت، آن‌هم از منظری قرآنی بررسی خواهد شد.

۱. مفهوم امنیت

ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن»، و با مشتقاتی مانند «استیمان»، «ایمان»، و «ایمنی» است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است؛ از یک‌سو، اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر، فقدان

۱. شایان ذکر است که در کرسی علوم سیاسی و روابط بین الملل دبیرخانه کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره (وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی) این نظریه به عنوان نظریه‌ای قابل دفاع پذیرفته شده و در دستور برگزاری جلسه پیش دفاع قرار گرفته است.

خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌شود. امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی هم هست. امنیت ذهنی یا به اصطلاح «امنیت پنهان» که نسبت به سایر اشکال امنیت، همانند روح است نسبت به جسد، کمتر مورد توجه واقع شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۹).

در تبیین دو وجه عینیت و ذهنیت امنیت باید افزود که عموماً امنیت را در قالب تهدید نکردن تعریف کرده‌اند که امری عینی است. اما باید اضافه کرد امنیت وقتی وجود دارد که احساس کنیم تهدیدی در کار نیست و این همان امنیت ذهنی است. لذا امنیت شامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و نهراسیدن است و دربردارنده احساس امنیت در حالات و موقعیت‌های ذهنی تا ایمنی و اطمینان خارجی در موقعیت‌های عینی و بیرونی است و وضعیت فیزیکی را با حالت فکری در هم می‌آمیزد. بدیهی است امنیت ذهنی و عینی از بعد فردی به امنیت اجتماعی وابسته است. از یک‌سو، در تعاریفی که از امنیت ارائه می‌شود یکی از معیارهای اساسی، حفظ و ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. از سوی دیگر، امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات و آرای اندیشمندان اسلامی (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ۱۳۸۹، ۱۳۸۸) با گستردگی به آن اشاره شده است. البته صورت فارسی و عربی این کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست و بیشتر توجه به این موضوع با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «أَمِنَ» صورت پذیرفته است.^۱

پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با نَفْس کلمه‌های اسلام، ایمان و مؤمن حاکی از اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت است. مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، به وفور در ادعیه اسلامی و شیعی دیده می‌شود. در این نوشتار، پس از تبیین ارزش و اهمیت والای موضوع امنیت در قرآن، برخی ابعاد مهم آن بررسی می‌شود و هم‌زمان و با تفکیک هر بُعد این مفهوم، و برحسب آیات، سازو کارهای تأمین امنیت ذکر خواهد شد.

۲. ارزش و اهمیت والای امنیت

در قرآن کریم آیات زیادی درباره امنیت و جایگاه رفیع آن در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و ... انسان وارد شده است که از باب اشاره، نمونه‌هایی از آنها ذکر می‌شود:

الف) قرآن مجید در آیه ۵۵ سوره نور، یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و

۱. برای اطلاع ر.ک: (روحانی، ۱۳۶۸: ۳۷۳ - ۳۷۲).



استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است. بر این مبنا و به تعبیر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان؛ بدین ترتیب قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به نصرت الهی حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن تمام اسباب خوف، ترس و وحشت را داده است؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۵: ۲۰۹).

ب) بنا به آیه «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمناً»^۱ حضرت ابراهیم(ع)، هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست که آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد و خداوند بنا به آیه ۱۲۵ سوره بقره،^۲ آنجا را چون خانه امنی برای مردم قرار داد. این ویژگی چنان عزیز است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می‌کند.^۳ پروردگار به همین سرزمین امن، برای بیان کیفیت آفرینش انسان سوگند یاد می‌کند.^۴ با اجابت دعای حضرت ابراهیم، خداوند، هم امنیت تکوینی به مکه داد، زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث نا امن‌کننده کم‌تری به خود دید و هم امنیت تشریحی عطا کرد، زیرا به فرمان الهی همه انسان‌ها و حتی حیوان‌ها در این سرزمین در امن و امان می‌باشند. صید حیوانات آن ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی که به این حرم و خانه کعبه پناه برند جایز نیست، تنها می‌توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی آذوقه را بر آنان بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.^۵

امن دانستن خانه کعبه توسط خدای متعال در حقیقت، بیانگر اهمیت صفت امنیت است که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات متعددی تکرار شده، همچنان که در سوره تین، مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است.^۶

ج) در قرآن شهری که برخوردار از نعمت امنیت باشد، به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یأتیها رزقها رغدا من کل مکان»^۷، خداوند به عنوان الگو و نمونه قریه‌ای را مثل می‌زند که

۱ . ابراهیم (۱۴): ۳۵.

۲ . بقره (۲): ۱۲۵.

۳ . فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف: قریش (۱۰۶): ۳ و ۴.

۴ و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم: تین (۹۵): ۳ و ۴.

۵ . مکارم شیرازی، بی تا: ۳۶۶.

۶ . برای اطلاع بیشتر رک : طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۳۹.

۷ . نحل (۱۶): ۱۱۲.

امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به طور وافر از هر مکانی فرارسیده است. (د) بنا به آیات الهی، شعار اسلام، یعنی سلام و حتی نام این دیانت از امنیت و اعلام آن به سایرین ریشه گرفته است. به تعبیر بسیاری مفسران و از جمله علامه طباطبایی، کلمه سلام از حیث لغوی و همان‌طور که راغب در مفردات گفته، ابراز سلامت‌خواهی از آفات ظاهری و باطنی است، و این معنا در همه مشتقات این کلمه یعنی سالم، سلامت، اسلام، تسلیم و غیره جاری است، و دو کلمه سلام و سلامت یک معنا دارد. و ظاهراً واژه سلام و واژه امن؛ معنایی نزدیک به هم دارند، تنها فرق بین این دو ماده لغوی این است که سلام به معنای خود امنیت با قطع نظر از متعلق آن است، ولی کلمه امنیت به معنای سلامتی و امنیت از فلان خطر است. علامه در تعامل کلمه سلام و امنیت بر این باور است که سلام یکی از اسمای خدای تعالی است، و وجه آن این است که ذات متعالی خدای تعالی نفس خیر است، خیری که هیچ شری در او نیست. بهشت را هم اگر دارالسلام گفته‌اند به همین دلیل است که در بهشت هیچ شر و ضرری برای ساکنان آن وجود ندارد. بعضی گفته‌اند اگر بهشت را دارالسلام خوانده‌اند بدین مناسبت است که بهشت خانه خدا است، که نامش سلام است. ولی برگشت هر دو وجه در حقیقت به یک معناست، برای اینکه اگر خدای تعالی هم، «سلام» نامیده شده، برای این است که از هر شری میراست، پس دارالسلام به طور مطلق دارالسلام است، و جایی که به طور مطلق دار سلامت باشد جز بهشت نمی‌تواند باشد، برای اینکه آنچه از سلامت در دنیا یافت شود، سلامت نسبی است، نه مطلق؛ زیرا در دنیا هیچ چیزی که برای ما سالم باشد و ایمن، وجود ندارد، مگر آنکه همان چیز، مزاحم بعضی از چیزهایی است که دوست داریم (همان؛ ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵۴).

علامه طباطبایی در تفسیر سلام به آیاتی مانند آیات ۶۱^۱ و ۲۷^۲ سوره نور و آیه ۵۴^۳ سوره انعام استناد کرده است. به تعبیر علامه، سلام دادن در حقیقت، اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام‌دهنده به گیرنده سلام است. شخص سلام‌دهنده به سلام‌گیرنده اعلام می‌کند تو از ناحیه من در امانی و هیچ‌گونه ظلم و تجاوزی از من نسبت به خودت نخواهی دید و آزادی فطری که خدا به تو مرحمت کرده است، از ناحیه من صدمه نخواهد دید (همان، ۱۳۷۴، ج ۵: ۴۷). «خدای عزوجل سلام را در

۱. نور (۲۴): ۶۱ «پس چون به خانه‌هایی که گفته شد درآمدید، به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارک و خوش است.»

۲. نور (۲۴): ۲۷. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌ی شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند. این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید.»

۳. انعام(۶): ۵۴. و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده است.



بین مسلمانان سنت قرار داد تا هر فردی به دیگری برخورد کند قبل از هر چیز سلام بدهد، یعنی طرف مقابل را از هر خطر، آزار و تجاوز خود امنیت دهد» (همان) ... پس کلمه سلام، تحیتی است که گسترش صلح، سلامت و امنیت را در بین دو نفر که به هم برمی‌خورند، اعلام می‌دارد (همان، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۱).

با توجه به اینکه شعار سلام، شعار تحیت و ابراز امنیت‌خواهی مسلمانان نسبت به سایرین است، در روایات، بسیاری از کسانی که نباید به آنها سلام کرد یادآوری شده‌اند، که از جمله آنها، مجوسیان، بت‌پرستان، کسانی که بر سر سفره شراب نشسته‌اند، مخنثین، رباخواران و فاسقینی که فسق خود را علنی کرده‌اند و ... می‌باشند (همان). بنابراین، تحیت و امنیت‌خواهی اسلام و مسلمانان برای سایرین به طور مطلق نیست و افراد معاند، یا منحرف و گناهکارانی مانند موارد پیش‌گفته از آن استثناء شده‌اند.

۵) یکی از مصادیق مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت دانسته شده است. برای نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه: «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات»^۱ به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد: «برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل: امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد».^۲

همچنین این مفسر در تفسیر آیه ۱۰۳ سوره آل عمران،^۳ ضمن بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت را در این آیه چنین برمی‌شمارد: «منظور از نعمت مواهب جمیله‌ای است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آنها را نسبت به قبل از اسلام بهبود بخشید. در دوران جاهلیت امنیت، سلامتی، ثروت، صفای دل نسبت به یکدیگر و پاکی اعمالی نداشتند، و در سایه اسلام صاحب همه اینها شدند.» (همان، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۷۶).

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در آیه هشتم سوره تکوین: «ثم لتسئلن عن النعیم» آورده است: «و نیز در مجمع البیان است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابو جعفر و ابی‌عبدالله (علیهما السلام) نیز روایت شده است» (همان، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۶۰۷).

همچنین مفسر کبیر در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه» و

۱ . اعراف (۷): ۹۶. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

۲ . همان، ج ۸، ص ۲۵۲.

۳ . آل عمران (۳): ۱۰۳. و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] را بودید، پس میان دل‌های شما الفت نداشت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهایی.

«حیات طیبه»، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌نماید، همچنان‌که از ویژگی‌های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی به شمار می‌آورد (همان، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۶۷).

و) در قرآن، اولوالالباب به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند. به تعبیر علامه: «جمله سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی، و سرانجام نیک نوید می‌دهند، سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد (همان، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۷۵).

از سوی دیگر، بنا به آیه: «ادخلوها بسلام آمنین (حجر: ۴۵)، در روز سرنوشت وقتی انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آنها نوید امنیت و سلامت داده و گفته می‌شود که به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

ز) هنگامی که خانواده حضرت یوسف وارد مصر می‌شوند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت‌های مصر انگشت روی مسأله امنیت می‌گذارد و به پدر و مادر و برادران خودش می‌گوید: «ادخلوها مصرأ ان شاء الله آمنین» (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱۰: ۸۴)، یعنی داخل مصر شوید که ان شاء الله در امنیت خواهید بود. این نشان می‌دهد که نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌هاست و حقاً چنین است؛ زیرا هر گاه امنیت از میان برود سایر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد، در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است و نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش، کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی میسر می‌گردد.

ح) امنیت، بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می‌شود، همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «فای الفرقین احق بالامن»، یعنی کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟

۳. انواع امنیت

(الف) امنیت معنوی (ایمان، سرچشمه اصلی امنیت)

تعامل ایمان و امنیت به خوبی در قرآن نمایانده شده و بر این واقعیت پافشاری شده که امنیت واقعی و سرچشمه اصلی آن در امنیت معنوی و آن نیز با ایمان به خدا و کسب رضای الهی محقق خواهد شد. به اعتقاد قرآن امنیت دنیایی، نسبی بوده و امنیت واقعی در جهان آخرت است و مؤمن اگرچه در دنیا به ابتلائات و ناامنی‌های ظاهری



ممکن است دچار شود، ولی قلباً و به پشتوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است و این امنیت ریشه تمام امنیت‌ها و آرامش‌هاست. در ادامه، به شواهد قرآنی و روایی مطلب پیش‌گفته اشاره می‌شود:

قرآن امنیت را از برکات نازلۀ الهی بر مؤمنین و مایهٔ افزایش ایمان آنها می‌داند و می‌فرماید: «وست آن کسی که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.»^۱

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «الا بذکرالله تطمئن القلوب» (رعد: ۲۸) و با اشاره به جملات ما قبل این آیه مانند: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله»، امنیت را در تمام ابعاد و به‌ویژه بعد معنوی آن، مبتنی بر تحصیل ایمان به خدای متعال دانسته و چنین امنیت معنوی و دستاورد ایمانی را مایه سعادت و ایمنی انسان از شقاوت به شمار می‌آورد. به تعبیر ایشان، هر نفس متحیر و مضطربی با یاد خدا اطمینان و تسکین می‌یابد و احساس نشاط، سلامتی و عافیت می‌کند. این رکن وثیق، سعادت او را ضمانت و تضمین کرده و مایه انبساط و آرامش است، آن‌گونه که نوش‌دارو مایه راحتی و آرامش مارگزیده است.^۲

علامه با توجه به آیه ۱۲۵ سوره انفال،^۳ معنای شرح صدر و توسعه سینه را با ایمان، اطمینان قلب و امنیت حاصله یکی دانسته و معتقد است همان طور که از مضمون آیات برمی‌آید، این دو با خواست الهی محقق خواهند شد و نتیجه هدایت انسان هستند.^۴ در تفکر قرآنی، ظلم و شرک نقطه مقابل ایمان و امنیت هستند، همچنان که در آیه ۸۲ سوره انعام می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را آمیخته با ظلم نکردند ایشان امنیت دارند و هدایت و راه را یافته‌اند.»

در این آیه شریفه، خداوند متعال، ظلم را شرک و نقطه مقابل ایمان شمرده است و اهداء و ایمنی از ضلالت و یا عذاب را که اثر ضلالت و گمراهی است، مترتب بر داشتن صفت ایمان و زایل گشتن صفت ظلم کرده است. بدین ترتیب امنیت و اهداء تنها مترتب بر ایمانی می‌شود که صاحبش از جمیع انحاء ظلم برکنار باشد.^۵

گفته شد که ایمان و امنیت معنوی پایه و مبنای تمام امنیت‌هاست و با اتکا به ذات الهی همگان می‌توانند خود را مملو از ایمان کنند و به امنیت واقعی دست یابند

۱. فتح (۴۸): ۳.

۲. رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۷ و ج ۱: ۴۷.

۳. «پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه

کند، دلش را سخت می‌گرداند؛ چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود.»

۴. رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۷.

۵. رک: همان، ج ۷: ۳۸۷.

بی‌دلیل نیست که آیات الهی در معرفی ذات ایمنی‌بخش الهی، وجود خداوند را با اسامی «سلام» و «مؤمن» یاد کرده است؛ همچنان که در سوره حشر می‌فرماید: «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المیهمن». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «کلمه سلام به معنای کسی است که با سلام و عافیت با تو برخورد کند، نه با جنگ و ستیز یا شر و ضرر؛ و کلمه مؤمن به معنای کسی است که به تو امنیت بدهد، و تو را در امان خود حفظ کند (همان، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۸۲).

بنا به آیات دیگر الهی نیز می‌توان فهمید که عدم خوف و اندوه و تأمین هدایت و امنیت از دستاوردهای ایمان است که خداوند متعال بدان در آیه شریفه «الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^۱ بشارت داده است. در تفسیر المیزان دربارهٔ این آیه و شرح حال این اولیاء الهی و همچنین در تشریح مؤمنین مورد خطاب آیه ۸۲ سوره انعام شرحی آمده است که به خوبی تبیین‌گر دیدگاه قرآن در باب تشریح امنیت معنوی است:

«به همین دلیل این‌گونه اشخاص غرق در نعمت‌های خدا و غرق در مسرتی هستند که غم و اندوهی با آن نیست، و غرق در لذت و سروری هستند که دیگر آلوده به الم و اندوه نیست، و غرق در امنیتی هستند که دیگر خوفی با آن نیست، چون همه این عوارض سوء وقتی عارض می‌شوند که انسان سوئی را درک بکند، و شر و مکروهی ببیند و کسی که هیچ چیزی را شر و مکروه نمی‌بیند. او جز خیر و جمیل مشاهده نمی‌کند، و وقایع را جز به مراد دل و موافق با رضا نمی‌بیند. پس اندوه و ترس و هر سوء دیگر و هر چیز که مایه اذیت باشد در چنین کسی راه ندارد. بلکه او از سرور و ابتهاج و امنیت به مرحله‌ای رسیده که هیچ مقیاسی نمی‌تواند اندازه‌اش را معلوم کند، و جز خدا هیچ کس نمی‌تواند بر آن احاطه یابد و این مرحله، مرحله‌ای است که مردم عادی توانایی تعقل و پی بردن به کنه آن را ندارند، مگر به گونه‌ای تصور ناقص (همان، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۱۸).

زندگی در پناه ایمان و امنیت معنوی، همان حیات طیبه است؛ همچنان که قرآن نیز فرموده است: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنجینه حیاه طیبه»^۲. در همین راستا در آیه ۹۲ سوره انعام،^۳ استعاراتی به کار رفته است و قرآن ضلالت را به

۱. یونس (۱۰): ۶۲. آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.
 ۲. ابراهیم (۱۴): ۲۴. هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم.
 ۳. «ایا کسی که مرده [دل] بوده و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برد، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند، زینت داده شده است.»



مرگ، ایمان و هدایت یافتن را به زندگی، هدایت به سوی ایمان را به احیاء، راه پیدا کردن به اعمال صالح را به نور و جهل را به ظلمت تشبیه کرده است.

بدین ترتیب عوامل مخل ایمان از جمله: گناه، شرک، ظلم و ... را می‌توان به عنوان عوامل مخل امنیت معنوی به حساب آورد.^۱

باید اضافه کرد که از منظر قرآنی در صورتی امنیت معنوی علاوه بر سطح فردی، در سطح اجتماعی و عمومی حکم‌فرما خواهد شد که اعضای جامعه با خداترسی و تقوای پیشگی، بر محور «بِرّ» و تقوا، اجتماع متعاون خود را تشکیل دهند. علامه در تفسیر آیه «و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدون»^۲ و آیه «و لکن البر من آمن بالله و الیوم الاخر»^۳ به این معنا چنین اشاره کرده است: «و کلمه تقوا به معنای مراقب امر و نهی خدا بودن است، و در نتیجه برگشت معنای تعاون بر برّ و تقوا به این است که جامعه مسلمین بر برّ و تقوا و به عبارتی، بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا اجتماع کنند، و این همان اصلاح و تقوای اجتماعی است، در مقابل آن تعاون بر گناه - یعنی عمل زشت که موجب عقب‌افتادگی از زندگی سعید است، - و بر عدوان که تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان، مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد» (همان، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۶۶).

ملاحظه می‌شود که در همین فراز، یکی از مصادیق تعاون بر گناه و دشمنی، ایجاد ناامنی برای مردم دانسته شده است.

راهکار های تأمین امنیت معنوی

از آنجا که کلیه آیات الهی به طور صریح بر تعامل مثبت بین ایمان و امنیت تأکید دارند، می‌توان سازوکارهای زیر را به طور خلاصه به عنوان عوامل تحصیل امنیت معنوی برشمرد:

۱. دستیابی به ایمان واقعی به عنوان مایه اصلی نزول برکات الهی، از جمله امنیت، و طمأنینه معنوی، ایمنی از ضلالت و عذاب و تحصیل حیات طیبه موعود الهی. بسیاری از آیات قرآنی،^۴ این ایمان واقعی را تشریح کرده‌اند و بدیهی است دستیابی به امنیت معنوی نیاز به تحقق ایمان مذکور دارد.

۱. رک: همان، ج ۷: ۴۶۵.

۲. مائده (۵): ۲. «و در نیکوکاری و پرهیزکاری باید با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید».

۳. بقره (۲): ۱۷۷. بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز باز پسین و ... ایمان بیاورد.

۴. برای اطلاع از ویژگی‌های قرآنی و روایی ایمان و مؤمنین رک: محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، باب الایمان، صص ۲۹۷ - ۳۴۲. برای نمونه، در آیات زیر ویژگی‌های مؤمنین ذکر شده است. توبه (۹): ۷۱ - یوسف (۱۲): ۱۰۶ - المؤمنون (۲۳): ۱۰،۱۱ - القصص (۲۸): ۵۲ - السجده (۳۲): ۱۵،۱۹ - الشوری (۴۲): ۳۶،۴۰ - الفتح (۴۸): ۲۹ و البینه (۹۸): ۵،۸.

۲. انجام دادن اعمال صالح، اعتقاد به وحدانیت الهی و عدم پریشی غیرخدا.
۳. امین نفس خود بودن، احیای قلب، میراندن شهوات و جلوگیری از بیماری‌های نفسانی، قلبی و دردهای باطنی مانند: شقاوت، ضلالت و نفاق که بنابه متون اصیل اسلامی از عوامل تهدید ایمان، طمأنینه و امنیت معنوی به شمار می‌روند.
۴. از ابتلائات دنیایی نهراسیدن، داشتن چشم‌داشت اصلی به بهشت به عنوان سرای واقعی سعادت و امنیت، فریفته ناز و نعمت دنیا نشدن، به آسایش ظاهری دنیا دل‌ن بستن و پیشه کردن زهد.
۵. داشتن همیشگی شعار «تحتیت و سلام» در رفتارهای فردی و اجتماعی و تقدم‌جویی بر آن.
۶. شکر و سپاس‌گزاری نعمات الهی و اجتناب از کفران و ناسپاسی نسبت به برکات و نعمت‌هایی که خداوند ارزانی بندگان خود کرده است.
۷. ایمان و امنیت معنوی مقتضی آن است که مؤمن همیشه از یاد خدا ترسان بوده، ضمن پروای الهی از غیر خدا نیز خوف نداشته باشد.
۸. تمسک به امامت و ولایت ائمه معصومین (ع) و دوستداران آنها از سازوکارهای برقراری امنیت در تمام ابعاد آن، به ویژه بعد معنوی و ایمانی آن است؛ زیرا در تفکر شیعی و بنا به آیه سوم سوره مائده، اکمال و تکمیل دین با امامت و جانشینی علی (ع) فرزندان ایشان و ائمه دوازده‌گانه محقق خواهد شد.

ب) امنیت فردی و اجتماعی

امنیت فردی عبارت است از حالتی که فرد از لحاظ جسمی و روحی در آن فارغ از ترس و آسیب رسیدن به جان، مال یا ابروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند؛ همان‌گونه که امنیت اجتماعی به معنی امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت شخص از جانب عوامل اجتماعی است. در اندیشه اسلامی امنیت فردی و اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت، رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها، دفاع از مظلومان، برخورد با مفسدان و مجرمان، رفع فقر، تأمین رفاه و معیشت مردم، حفظ آزادی‌های مشروع و حاکمیت عادلانه، حقانی و قانونی و معیارهای انسانی و الهی جست‌وجو کرد. البته با توجه به ارتباط زیاد مباحث دو گونه امنیت اخیر با مباحث امنیت سیاسی، برخی از مباحث مشترک در مبحث امنیت سیاسی نیز مطرح خواهد شد. ریشه و اساس تمام ابعاد امنیت، از جمله امنیت فردی و اجتماعی نیز از دیدگاه قرآن و روایات در ایمان و



باورهای عمیق دینی و امنیت معنوی نهفته است و آنها را نیز باید در تقویت بنیادهای معنوی جامعه جست‌وجو کرد که در گفتار قبل تا جای ممکن به آنها اشاره شد. در این گفتار نیز بنا به قرآن و روایات به گونه‌ای مختصر به ذکر شواهد مرتبط با امنیت فردی و اجتماعی و سازوکارهای تأمین آن پرداخته می‌شود.

آیات الهی با تأکید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان، بر حفظ حرمت و حریم او و امنیت فردی و اجتماعی افراد در حوزه فردی و اجتماعی و مخالفت با هر گونه تعدی به او پای فشرده‌اند. این معنا به ویژه از مقام عالی‌های که خداوند برای انسان قائل شده، بهتر فهمیده می‌شود. قرآن کریم انسان را در موارد متعددی ستوده است و او را اشرف مخلوقات می‌داند و آفرینش وی را به خود تبریک می‌گوید^۱ و تعبیرهای مختلفی مانند خلیفه الهی^۲ و مسجود ملائکه^۳ ذکر کرده و علم ویژه که «علم اسماء» تعبیر شده است و از ملاک‌های برتری می‌باشد به او عطا کرده، و انسان را امانت‌دار خدا معرفی کرده است، امانتی که آسمان‌ها، کوه‌ها و زمین از قبول آن سر باز زدند.^۴ انسان یکی از نشانه‌های بزرگ آفرینش است و برای خود جهانی وسیع و بیکران است.^۵ از دید قرآن، انسان موجودی دارای شرافت، کرامت و شخصیت ارزشمند است^۶ و در عین حال، دارای امنیت و آزادی لازم در اختیار راه و سرنوشت خویش است.^۷ او موجودی برگزیده است^۸ و بر موجودات دیگر برتری دارد. انسان حق بهره‌برداری از جهان را دارد و آفرینش در اختیار اوست^۹ و هدف از آفرینش وی پرستش خدا و رشد و تعالی در مسیر بی‌نهایت الی الله است.^{۱۰} انسان در حجاب تن و ماده محجوب است و چون این حجاب را برمی‌افکند، حقایق جهان بر او ظاهر می‌شود.^{۱۱}

خالق هستی، انسان را همچون سایر حیوانات محکوم به مبادی طبیعی و غریزی

- ۱ . فتبارک الله احسن الخالقین. مؤمنون (۲۳): ۱۴.
- ۲ . و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه. بقره (۲): ۳۰.
- ۳ . واذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس. بقره (۲): ۳۴.
- ۴ . انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یمعلنها و اشفقن منها و حملها الانسان. احزاب (۳۳): ۷۲.
- ما امانت الهی و بار تکلیف را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، ولی انسان آن را برداشت.
- ۵ . سنریهم ایتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق. فصلت (۳۲): ۵۲.
- ۶ . و لقد کرمنا بنی آدم. اسراء (۱۷): ۷۰.
- ۷ . فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر. کهف (۱۸): ۲۹. انا هدینا السبیل اما شاکرا و اما کفورا. انسان (۷۶): ۳.
- ۸ . شاکرا لانعمه اجتباؤه و هدیه. نحل (۱۶): ۱۲۱؛ [و] نعمت‌های او را شکرگزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد.
- ۹ . و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً جائیه (۴۵): ۱۳. تمامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است را مستخر ایشان گردانیدیم.
- ۱۰ . و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون. ذاریات (۵۱): ۵۶. جن و انس را تنها برای عبادت خلق کردیم.
- ۱۱ . فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید. ق (۵۰): ۲۲؛ پس ما پرده‌ات را از جلوی چشمانت برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.

نکرده، بلکه تنها با امر و نهی و ارشاد به عواقب امور، او را به نظم و انضباط و امنیت مطلوب هدایت کرده است، و این خود انسان است که با انتخاب و اختیار خویش سرنوشت خود را رقم می‌زند^۱ و البته در این انتخاب خود مسئول است.^۲

امنیت فردی و اجتماعی و نظر متکی بر عدالت که در آن حقوق انسان‌ها از هر نوع تجاوز و تعرض مصونیت داشته باشد، از آرمان‌های اصیل بشری و ارجمند در قرآن است. قرآن سه عامل عمده را به عنوان تهدیدکننده امنیت و آفت امان دانسته، و ضمن هشدار در این مورد، آنها را از جرائم بزرگ ضد بشری شمرده است:

الف) ظلم که دشمن امنیت است و حتی ظالم هم در شرایطی که ظلم حکم فرماست، امنیت نخواهد داشت.

ب) تجاوز به حریم حقوق دیگران که قرآن از آن به تعدی نام می‌برد.

ج) افساد و ایجاد بی‌نظمی و اختلال در روابط اجتماعی.

اینک برای نمونه به ذکر چند آیه زیر اکتفا می‌شود:

- در روی زمین فساد به پا نکنید از آن پس که اصلاح گردید (اعراف: ۵۶).

- مجازات کسانی که با خدا و رسول به ستیز برمی‌خیزند و در زمین به افساد می‌پردازند، آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان بریده شود و یا به شهر دیگری تبعید گردند (مائده: ۳۳).

- جز در مورد ستمگران تعدی جایز نیست (بقره: ۱۹۳).

- کسی که مرتکب تجاوز و ظلم شود، در آینده نزدیک سزای او فرود در آتش خواهد بود (نساء: ۳۰).

- کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، امنیت و امان یافته‌اند و ایشان راه‌یافتگانند (انعام: ۸۲).

از نظر قرآن - و به ویژه آیه اخیر - امنیت در کلیه ابعاد آن به ویژه در بعد فردی و اجتماعی اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلافی نشده‌اند و نیز آنها که در مسیر انجام وظیفه‌اند و در مقام احترام به قانون هستند. اما آنهایی که در مسیر خلاف کاری به سر می‌برند و یا مرتکب بزه و جرم شده‌اند، به دلیل ماهیت عملکردشان از حق امنیت مذکور محروم‌ند.

قرآن به کسانی که در فکر و اندیشه توطئه و مکر سوء هستند، هشدار می‌دهد و آنها را از دایره امنیت خارج می‌کند (نحل: ۴۵). سپس ایشان را از مکر الهی، یعنی بازتاب و پیامد توطئه‌ها و جرم‌ها و عملکرد فاسدشان برحذر می‌دارد (اعراف: ۹۹)، این

۱. ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. رعد(۱۳): ۱۱.
 ۲. ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً. اسراء (۱۷): ۳۶.



در حالی است که خداوند متعال در سوره نور (آیه ۵۵) به مؤمنان و کسانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، وعده جاننشینی خود در زمین و تبدیل خوف آنها را به امنیت می‌دهد.^۱ بدیهی است ایمان مؤمنین و انجام دادن اعمال صالح، مقتضی رعایت امنیت فردی و اجتماعی افراد و عدم تعرض و تعدی به حقوق آنان است. این عدم تعدی و تعرض حتی از سوی خدای متعال نیز اعلام شده است^۲ و شامل موارد متعددی از جمله: عدم ایداء، مسخره کردن دیگران، گمانه‌زنی زیاد نسبت به آنان، تجسس، غیبت، عیب‌گیری، لقب زشت گذاری، تصرف ناحق مال افراد و ... می‌گردد که برخی آیات مربوط ذیلاً ذکر می‌شود:

- و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی آنکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند، آزار می‌رسانند قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند (احزاب: ۵۸).

- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند (احزاب: ۱۱).

- ... و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید. چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان، و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند (احزاب: ۱۱).

- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است (احزاب: ۱۲).

- ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید (نساء: ۲۹).
- هر کس کسی را - جز به قصاص قتل، یا [به کیفر] فسادی در زمین - بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد. و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است (مائده: ۳۲).

تعدی و تجاوز به حریم امن فردی و اجتماعی افراد نه تنها در تفکر اسلامی به شدت نفی شده است، بلکه آیات الهی بر صفات حمیده فردی و اجتماعی، مانند: ایثار، امانت‌داری و ... تأکید دارند قرآن در این باره می‌فرماید:

- و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را با ایثار بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، پس از رستگاران خواهد بود (حشر: ۹).

- و [مؤمنان] آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند (مؤمنون: ۸).

۱. و لیبدلتهم من بعد خوفهم اماناً.

۲. انی لا اضع عمل عامل من ذکر او انی. آل عمران (۳): ۱۹۵.

- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر خیانت نکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید (انفال: ۲۷).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه اخیر می‌فرماید:

«خیانت به معنای نقض امانت است و امانت عبارت است از اینکه به وسیله عهد یا وصیت و امثال آن، حقی از حقوق حفظ شود» (طباطبایی، ج ۹: ۶۸).

قرآن مجید به قدری به مسأله امنیت فردی و اجتماعی و نفی تعدی و تجاوز اهمیت می‌دهد که حتی به مؤمنان دستور می‌دهد که در برخورد با اهل لغو و نادانان، به آنان سلام گویند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، سلام در تفکر اسلامی اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام‌دهنده به شخصی است که به وی سلام می‌دهد. قرآن در سوره قصص درباره مؤمنان می‌فرماید:

«و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی‌تابند و می‌گویند: کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست. سلام بر شما، جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم» (قصص: ۵۵).

- راهکارهای تأمین امنیت فردی و اجتماعی

علاوه بر سازوکار تمهید و بسترسازی حیات معنوی و تکامل ایمانی همه افراد جامعه که یک راهکار اساسی و مبنایی در تحصیل کلیه انواع ابعاد امنیت است، سازوکارهای قرآنی تأمین امنیت فردی و اجتماعی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱. تأکید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان و حفظ حرمت، شرافت، شخصیت، حیثیت و حریم - او چه در حوزه فردی چه اجتماعی - مخالفت با هر گونه تعدی به این کرامت و حرمت، به ویژه از سوی نظام سیاسی و نهادهای آن.

۲. تمهید و بسترسازی حیات معنوی؛ [توجه به] حیات مادی افراد جامعه و تلاش در جهت تقویت، بالندگی و تکامل ایمان مردم در حیات فردی و اجتماعی؛ افزایش تربیت، تهذیب و تزکیه احاد اجتماع و تشویق آنها به انجام دادن اعمال صالح، مانند: ایثارگری، امانت‌داری، آبروداری، خیرخواهی، سودرسانی، ملامت در رفتار، رازپوشی، چشم‌پوشی از انتقام و مسالمت‌جویی حتی در برخورد با جاهلان.

۳. تأمین آزادی لازم در انتخاب و اختیار راه و سرنوشت، برای تمام احاد جامعه.

۴. تأمین نظم متکی بر عدالت که در آن حقوق انسان‌ها از هر نوع تجاوز و تعرض مصون باشد.

۵. مقابله با ظلم، فساد و افساد و ایجاد هر نوع بی‌نظمی و اختلال در روابط فردی و

اجتماعی و محیط نظام سیاسی.



۶. تقدم بخشی به مؤمنین و صالحین در برخورداری از امنیت، و محروم کردن جبهه مقابل مؤمنین، و از جمله: مجرمین، بزهکاران و توطئه‌گران از نعمت و حق امنیت.

۷. پندگیری از فرامین قرآنی در جلوگیری از رفتارهای غیرمؤمنانه و امنیت‌ستیز مانند: تجاوزگری، زورگویی، تعرض به مال، جان و آبروی افراد، خشونت و ایجاد ناامنی، ارباب و هراس افکنی، تجسس، غیبت، عیب‌گیری، اهانت، استهزاء سایرین و ...

بدیهی است نظام سیاسی وظیفه دارد که با انجام دادن بهینه وظائف محوله و با برنامه‌ریزی‌های صحیح و وضع قوانین تشویقی و تنبیهی، زمینه‌های لازم را برای تحقق این راه‌کارها در حوزه‌های فردی و اجتماعی فراهم کند.

ج) امنیت سیاسی و نظامی

امنیت سیاسی با امنیت اجتماعی پیوندی عمیق دارد؛ زیرا امنیت اجتماعی به دنبال ایجاد امنیت و آسایش زیست جمعی و مدنی افراد از طریق قوانین و اقامه نظم و حکومت است. امنیت سیاسی نیز به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنها از طریق حکومتی غیر خودکامه و مردم‌سالار است.

بیان این مقدمه دو علت دارد: اول آنکه با توجه به هم‌پیوندی کلیه ابعاد امنیت و به ویژه هم‌پیوندی افزون‌تر امنیت سیاسی - اجتماعی، تمام شواهد قرآن که در باب امنیت اجتماعی ذکر شد، در مبحث امنیت سیاسی نیز صادق است. لذا از ذکر آنها خودداری می‌شود. دوم آنکه علت ذکر توأمان امنیت سیاسی و نظامی روشن شود چون همان‌طور که ذکر شد، یکی از وظایف اصلی حکومت‌ها و یکی از مصادیق اصلی امنیت سیاسی، مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی و برقراری امنیت نظامی است.

همان‌طور که در بخش اول گفته شد، قرآن در آیه ۵۵ سوره نور یکی از اهداف استقرار حاکمیت و استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را «تحقق امنیت» معرفی کرده است. بنا به این آیه (وعدالله الذین آمنوا منکم و ... قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به نصرت الهی حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن تمامی اسباب خوف و ترس را داده است.

بیان شد که در قرآن بنا به آیه ۱۱۲ سوره نحل،^۱ شهری که برخوردار از امنیت باشد

۱. و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یدتیها و رزقها رغداً من کل مکان.

به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است. بدیهی است هر نظام سیاسی، به منظور دستیابی به نظامی مطلوب و خدایسندانه می‌بایستی امنیت و آرامش را برای خود و شهروندانش تأمین کند. بدین علت است که مفسرانی مانند علامه طباطبایی در تبیین واژه‌های قرآنی مانند «حیات حسنه» و «حیات طیبه»، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌کنند. هم‌چنان که یکی از صفات اصلی «حیات سیئه» زندگی در ناامنی است.^۱ پس نظام سیاسی در راستای دستیابی به حیات طیبه و حسنه و دوری از حیات سیئه، می‌بایستی به دنبال تأمین امنیت، آن هم در تمام ابعاد آن باشد.

پس از واقعه غدیر خم و به جانشینی برگزیدن امام علی (ع) توسط پیامبر (ص)، آیه ۳ سوره مائده نازل شد. این آیه به خوبی بیانگر آن است که قرآن، امامت و ولایت - و نه خلافت و ملوکیت - را مایه یأس کفار، تکمیل و اکمال دین و ایجاد امنیت و تبدیل خوف مسلمانان به آرامش معرفی می‌کند و نشانگر نقش اساسی امام و محوریت وی در دستیابی نظام سیاسی اسلامی به کلیه اهداف خود، از جمله امنیت است. این آیه می‌فرماید:

«امروز کسانی که کافر شده‌اند از [کارشکنی] دین شما نومید گردیده‌اند، پس از ایشان مترسید و از من بترسید، امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی [جاودان] برگزیدم.»
 علامه طباطبایی مطالب پیش‌گفته و از جمله تعامل امامت و امنیت را به گونه‌ای تفصیلی در تفسیر المیزان آورده و در انتهای مطلب خود افزوده است:

«..... پس آیه شریفه خبر می‌دهد از اینکه مؤمنین امروز خوف سابق را ندارند و دین سابقشان مبدل به امنیت شده و خدای تعالی برای مؤمنین این دین را پسندیده که متدین به دین اسلام شوند»^۲ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۹۲).

چنین امامتی که دستاورد آن امنیت و حیات طیبه و کامل است، از دید قرآن با ظلم و تعدی و همچنین اعمال خشونت منافات دارد و حکومت به حق و عدل، و با رویه ملایمت‌جویانه و مشورت‌طلبانه را توصیه می‌کند. برخی شواهد قرآنی این مدعا بدین شرح است:

- [خدا به ابراهیم] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم. [ابراهیم] پرسید؟ از دودمانم [چطور]؟ پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد (بقره: ۱۲۴).

۱. رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۱۰ و ج ۷: ۴۶۵.

۲. در آیات قرآن و از جمله آیه ۲۰۵ سوره بقره، نتیجه ولایت طاغوت، هلاکت و نابودی و فساد به شمار آمده است.



- ای داود، ما تو را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار دادیم. پس بین مردم بحق حکومت کن (ص: ۲۹).

- ای پیامبر! پس به ابرکت رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخود و سخت دل بودی، از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن (آل عمران: ۱۵۹).

فقدان سخت گیری و خشونت ورزی حکومت با مردم و اعمال تساهل و تسامح لازم با آنان که در بستر عدالت ورزی صورت پذیرد، مایه جذب قلوب مردم و همگرایی ایشان با نظام سیاسی می شود، انس و الفت، اتحاد و همدلی و ثبات و امنیت را به ارمغان خواهد آورد. جذب قلوب، نتیجه عمل صالح و عدل و عدالت پیشگی کارگزاران سیاسی است. همان طور که قرآن کریم می فرماید:

«خداوند برای مؤمنانی که دارای عمل صالح هستند، مودت و محبت قرار می دهد و دل های دیگران را به سوی آنان گرایش می دهد.» (مریم: ۹۶).

پیامبران الهی نیز برای انجام دادن رسالت خویش، ابتدا به دنبال تسخیر و فتح دل های مردم بودند و با به جای آوردن عمل صالح، این امر را از خداوند مسئلت می کردند؛ از جمله حضرت ابراهیم (ع) که خطاب به خداوند متعال می فرماید:

«پروردگارا، من ذریه و فرزندانم را به وادی بی کشت و زرعی نزدیک خانه تو که حرمت دارد، مسکن دادم تا نماز به پا دارند. بار خدایا، دل های گروهی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنها را از انواع میوه ها بهره مند فرما تا سپاسگزار باشند» (ابراهیم: ۳۷).

اما در اهمیت تعامل عدالت با امنیت در کلیه ابعاد آن باید بیشتر سخن گفت. همچنان که ستم و ستمگری در قرآن نیز متعارض با ایمان و مایه نابودی و هلاکت اقوام ستمگر و بی ایمان به حساب آمده است. قرآن در بسیاری از آیات به این مسأله اشاره کرده است، از جمله می فرماید:

- و قطعاً نسل های پیش از شما را زمانی که ستم کردند به هلاکت رساندیم، و پیامبران شان دلایل آشکار برایشان آوردند [ولی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند و ما این گونه مردم بزهکار را جزا می دهیم (یونس: ۱۳).

- این آبادی ها را نابود کردیم، چون ظلم کردند (کهف: ۵۱).

باید اذعان کرد که در منابع اسلامی عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای

خویش و حق را به حقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست.^۱ بدیهی است که قرار گرفتن هر چیز در جای بایسته خویش و استیفای مداوم حقوق باعث تعادل، ثبات، راست ایستادن، استقامت، پایداری و امنیت نظام سیاسی می‌شود. به همین دلیل، قرآن می‌فرماید: «آسمان را برافراشت و میزان را وضع کرد تا از میزان تجاوز نشود.»^۲ بر همین مبنا، برقراری حکومت و وضع قوانین و مقررات تشریحی و اساس حکم یا حکمیت، حکومت و حتی امنیت در قرآن، بر پایه ایجاد قسط و عدل در جامعه است.^۳

یک وجه بارز امنیت سیاسی و حتی نظامی، «اخلال در حقوق عمومی» و به تعبیر رایج‌تر جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است. می‌توان تشریح قصاص و حدود مختلف و جواز تعزیر را نیز تلاشی برای حفظ نظم عمومی و مجازات اخلال در آن تلقی کرد. محاربه از جمله اصلی‌ترین جرائم محل امنیت سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود که از مصادیق ظلم و افساد در زمین است. قرآن به شدت به مقابله با این جرم اصرار ورزیده و می‌فرماید:

«سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌پردازند، جز این نیست که کشته شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.»^۴

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، محاربه و افساد را چنین تفسیر کرده است: «مراد از محاربه و افساد به طوری که از ظاهر آیه برمی‌آید، اخلال به امنیت عمومی است و قهراً شامل آن چاقوکشی نمی‌شود که به روی فرد معین کشیده شود و او را به تنهایی تهدید کند، چون امنیت عمومی وقتی خلل می‌پذیرد که بر حسب طبع محارب چنین خوفی در جامعه پدید آورد که مردم را با اسلحه تهدید به قتل کند. به همین دلیل است که در سنت، یعنی روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده نیز محاربه و فساد در ارض به چنین عملی یعنی به شمشیر کشیدن و مثل آن تفسیر شده است (ترجمه المیزان، ج ۵: ۵۳۳).

واژه‌شناسان، کلمه «حرب» را نقیض «سلم» دانسته و به معنای گرفتن مال به کار برده‌اند. محروب یعنی مال‌باخته و حارب یعنی غارتگر. این واژه همچنین به معنای

۱. وضع کل الشی فی موضعه و اعطاء کل ذیحق حقه.

۲. و السماء رفعها و وضع المیزان، الا تطغوا فی المیزان. الرحمن(۵۵): ۷ و ۸.

۳. برخی اشارات مهم قرآنی به موضوع عدالت در آیات زیر آمده است: حدید(۵۷): ۲۵، شوری(۴۲): ۱۵، مائده(۵): ۸، نساء(۴): ۵۸، ونحل(۱۶): ۹۰.

۴. مائده(۵): ۳۳.



دیگر نظیر غضب و تیز کردن (شمشیر) هم استعمال شده است. حرب در اصل به معنای مطلق مبارزه و ستیز است که طبعاً با غضب و دشمنی نیز همراه است. بنابراین، حرب مرادف جنگ نیست، بلکه اعم بوده و یکی از مصادیق آن است. لذا «یحاربون» به معنای یقاتلون نیست و نباید تصور شود که آیه محاربه دربارهٔ میدان جنگ بحث می‌کند و می‌خواهد احکامی در مورد جنگ مسلمانان با کفار بیان کند، بلکه مقصود آیه بیان نوعی از محاربه است که شرش دامنگیر جامعه می‌شود و آن انجام دادن کارهایی است که موجب فساد در جامعه و سلب امنیت و بی‌نظمی اجتماعی می‌شود. برخی مفسرین دیگر، دربارهٔ این آیه این نکته را به برداشت علامه افزوده‌اند:

«اخلال در امنیت عمومی تنها از طریق بر کشیدن سلاح نیست، بلکه فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه، پراکندگی و دشمنی در بین مردم نیز مصداق آن است. بنابراین، هر چه موجب از بین رفتن نظم اجتماع و امنیت مردم شود، مشمول حکم آیه شریفه است. پس باید آشکارا گفت که اخلال در نظم و امنیت جامعه مصداق محاربه است، چه این عمل به قصد براندازی نظام سیاسی صورت گرفته باشد چه به قصد دیگری» (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳: ۷۸۷).

از سوی دیگر، علاوه بر مبارزه با محاربان در راستای تأمین امنیت عمومی توسط نظام اسلامی، اصل جهاد و قتال با دشمنان خدا و جامعه اسلامی نیز از ضروریات برقراری امنیت سیاسی و اجتماعی است. در این مسیر، شناخت ماهیت دشمنان خدا که دشمنان خلق نیز هستند، ستیز مداوم با آنها، هوشیاری در برابر توطئه‌های آنان و به دوستی نگرفتن، عدم وابستگی و کمک نگرفتن از آنها، از جمله مسائل مؤکدی است که قرآن طی ده‌ها آیه، به گونه‌های مختلف آن را مطرح کرده و آگاهی لازم در این زمینه‌ها را شرط ایمان واقعی شمرده است؛ و از آن به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در حیات سیاسی جامعه اسلامی یاد کرده و از طرفی، افزایش عدّه و عدّه و نیرومندی بیشتر را به منظور ترساندن مُخلان امنیت توصیه کرده است:

- و هر چه در توان دارید از نیروها و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید (انفال: ۶۰).

- آنهایند [منافقان] دشمنان شما، در برابر آنان هوشیار باشید (منافقون: ۴).

- [ای] مردم با ایمان، دشمنان مرا و دشمنان خودتان را دوست نگیرید (ممتحنه: ۱).
باید اذعان کرد که جهاد از واژه‌های آشنای قرآنی است که شرط اساسی ایمان و تنعم در بهشت جاودان و نیز میزان و معیار درجه‌بندی امتیازات در جامعه اسلامی



معرفی شده است. جهاد اگرچه در راه خدا انجام می‌گیرد، ولی نفع آن در حیات سیاسی به خود مؤمن و جامعه اسلامی برای تضمین سلامت و امنیت آن برمی‌گردد.^۱ اصولاً جهاد در تفکر اسلامی برای کشورگشایی، قتل و نابودی نفوس نبوده، ماهیتی اصلاحی و دعوت‌گرانه دارد. به عبارتی، خود به یکی از مراحل دعوت تبدیل می‌شود و به تعبیر مفسران، حالت دفاعی به خود می‌گیرد. بنابراین، جهاد خود دعوت به سوی خدا به منظور اعتلای کلمه‌الله، امحای باطل و ریشه‌کنی مفسده و ناامنی اعمالی از سوی مشرکان و مفسدان است. همچنین لزوم دعوت قبل از جهاد و مشروع نبودن جهادی که به دعوت نپرداخته، از امور مورد اتفاق میان فقها و مفسران است.^۲

در مبحث امنیت سیاسی و نظامی، یکی از اصول سیاسی و امنیتی ارزشمند، اصل نفی سبیل است که از نص آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۳ گرفته شده است.

مفسران در تفسیر این آیه اقوال مختلفی ذکر کرده‌اند، بعضی «سبیل» را به مفهوم حجت و دلیل گرفته و آیه را چنین معنا کرده‌اند: خداوند کافران را حجتی برتر در مقابل مؤمنان قرار نداده است. عده‌ای گفته‌اند مقصود از نفس سبیل، نفی سلطه کفار بر مؤمنان در قیامت است. اما بیشتر علما به این آیه بر منع و عدم جواز فروش عبد مسلمان به کافر استدلال کرده‌اند، زیرا این امر موجب مسلط شدن کافر بر عبد مسلمان و خواری او می‌شود. بنابراین، اگر بیع عبد مسلمان به کافر جایز نیست، چون موجب استیلای کافر می‌گردد، پس هر چیزی که سبب سلطه کفار بر مؤمنان و مسلمانان شود ممنوع و غیر قابل تحمل خواهد بود. صحت این استدلال وقتی است که کلمه «سبیل» به معنای سلطه و سلطنت و نه حجت و برهان، لحاظ شود. بر این اساس، آیه نفی سبیل به عنوان اساس روابط خارجی و امنیتی دولت اسلامی مطرح می‌شود و بر سایر آیات حاکمیت می‌یابد. برای نمونه اگر دولت اسلامی با غیرمسلمانان عهد و پیمانی را منعقد کند، به حکم صریح قرآن مبنی بر وجود وفای به عهد «أوفوا بالعهد» لازم است که دولت اسلامی به میثاق و پیمان منعقدشده پایبند باشد، اما اگر این پیمان موجب استیلای سیاسی، نظامی، فرهنگی کفار بر مؤمنان شود فاقد اعتبار است و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج خواهد شد. بنابراین، روابط خارجی و امنیتی نظام اسلامی با غیرمسلمانان می‌باید به گونه‌ای تنظیم شود که زمینه‌های سلطه و

۱. برای برخی آیات در باره جهاد رک: بقره(۲)، ۲۱۸. حجرات(۴۹): ۱۵. عنکبوت(۲۹): ۶ و تحریم(۶۶): ۹.

۲. رک: سجادی: ۱۷۴.

۳. خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است نساء(۴): ۱۴۱.



برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد، در غیر این حالت، چنین روابطی نامشروع و غیر شرعی خواهد بود.

به هر حال، براساس اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. از نظر سیاسی و امنیتی، نپذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی نیز تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی مد نظر است. در ضمن، عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه‌های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی نیز مد نظر است. بنابراین، قاعده نفی سبیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی و موجبات ناامنی است.

علاوه بر آیه مربوط به این اصل، به سایر آیات دیگر هم که مؤمنان را از پذیرش و قبول ولایت کافران برحذر می‌دارند یا به عواقب منفی و زیانبار آن هشدار می‌دهند، استدلال شده است.^۱

برخی از مفسران برای نفس سلطه کفار و عدم جواز آن به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران استدلال کرده‌اند. در این آیه خداوند سبحان مؤمنان را از دوستی با بیگانگان نهی می‌کند: «ای اهل ایمان غیر را به بطانه نگیرید»^۲. گفته‌اند مقصود از «بطانه» دوستی و قرابت است. بنابراین، مسلمانان نباید کافران را دوست، هم راز و صاحب اسرار خود بدانند، چون این امر موجبات سلطه آنان بر مسلمانان را فراهم می‌سازد^۳ و پیامد منفی چنین سلطه‌ای قطعاً ناامنی نیز خواهد بود.

راهکارهای تأمین امنیت سیاسی و نظامی

بر مبنای مطالب پیش گفته، سازوکارهای قرآنی برای برقراری امنیت سیاسی و نظامی را به طور خلاصه می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. مقابله با دیدگاه‌هایی که حکومت را بر نمی‌تابند و نظم‌ستیز و هرج و مرج طلبند و

۱. از جمله به آیات زیر استدلال شده است: سوره نساء(۴): ۱۳۸، ۱۳۹؛ انفال(۸): ۷۳ و مائده(۵): ۵۵، ۶۵.

۲. یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم (آل عمران(۳): ۱۱۸).

۳. برای اطلاع بیشتر رک: سجادی، ۱۳۸۰: ۱۷۷ - ۱۷۵.

تأکید بر ضرورت وجود حکومت و نظام سیاسی نظم‌آفرین و موجد امنیت، و نیز تقویت و بهینه‌سازی فعالیت نظام سیاسی در راستای دستیابی بهتر به تحقق بهینه کارویژه تأمین امنیت. نظام سیاسی باید با سازوکار تحصیل «حیات طیبه» و دوری‌گزینی از «حیات سیئه»، تلاش کند امنیت را به عنوان ویژگی این نوع زندگی مثالی قرآنی، تحصیل کند. و به احیای دین، حاکم ساختن شعائر و قوانین الهی و اقامه حدود الهی بپردازد.

۲. نفی ولایت طاغوت و دادن جایگاه و مرتبه عالی به امامت و رهبری به عنوان اسوه ایمانی و الهی در روی زمین و پیروی از آن به عنوان رمز و محور اتحاد، وحدت و الفت جامعه و امت و عدم آسیب‌پذیری از تفرقه و فروپاشی آن. چنین امامت و رهبری، امنیت‌آور و منادی سکینه و طمأنینه سیاسی و اجتماعی است و با ایجاد وحدت و یک‌پارچگی، خوف امت و مسلمانان را به آرامش و امنیت بدل می‌کند.

۳. پرهیز نظام سیاسی از بی‌ایمانی، خودکامگی، استبداد، ظلم و تعدی، استکبار و کبرورزی، خودبزرگ‌بینی، احتجاج از مردم، گرایش به پذیرش تملق، اعمال خشونت و سخت‌گیری و عدم تخفیف به مردم و دریغ مساعدت نسبت به آنها.

۴. توجه نظام سیاسی به رعایت حقوق متقابل مردم و حکومت و وصول به تعامل صحیح بین حکومت و مردم، و نیز کسب رضایت عامه که همان مشروعیت و مقبولیت است. اعمال حکومت عادلانه و حق‌مدارانه با رویه ملایمت و ملاحظت‌جویانه و مشورت و مشارکت‌طلبانه، همراه با اعمال تسامح و تساهل لازم و اتصاف به خصیصه انتقادپذیری، توجه به صحت وجدان جمعی و قضاوت افکار عمومی، تلاش در جهت جذب قلوب مردم و انس و الفت و اتحاد و همدلی با آنان به ویژه با توده‌های مردم، مظلومین و طبقات فرودست جامعه.

۵. تأکید بر عدالت به عنوان رمز بقا، استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت، عدم عقب‌نشینی از عدالت به نفع امنیت، نفی باور امنیت در سایه شمشیر و جایگزینی اعتقاد امنیت در سایه عدالت به جای آن.

۶. تحقق و اجرای عدالت به عنوان سبب انتظام امور مردم و جامعه و عامل رفع خشونت‌گرایی و طغیان مردم علیه حکومت و جایگزینی اطمینان، آرامش و محبت به جای یأس و سرخوردگی و اشمئزاز از حکومت. همچنین عینی کردن عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای بایسته خویش و حق را به حق‌دار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها و استیفای مداوم حقوق، و اعمال عدالت در کلیه کارویژه‌های



حکومت به ویژه در انتخاب کارگزاران مؤمن و اصلح، و در توزیع منافع، مناصب و خدمات عمومی.

۷. جلوگیری از اخلال در حقوق عمومی و جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی و مصادیق ظلم و افساد در زمین مانند جرم محاربه و برچیدن آثار فتنه و فساد و مستقر ساختن صلاح و پاکی و صلح و صمیمیت.

۸. توجه ویژه به فریضه ایمانی امر به معروف و نهی از منکر.

۹. تکریم اصل جهاد و دفاع و قتال با دشمنان خدا و جامعه اسلامی، شناخت ماهیت دشمنان خدا و خلق، ستیز مداوم با آنها و جائزین، حفظ هوشیاری در برابر توطئه‌های آنان و جلوگیری از بی‌تفاوتی مردم در قبال تعدی و تجاوز و اعمال خلاف.

۱۰. تأکید بر افزایش آمادگی رزمی و دفاعی و تسلیحاتی و نیرومندی بیشتر از حیث عده و عده؛ جهت ترساندن مخلان امنیت و عوامل متعدد تهدیدگر.

۱۱. حاکم کردن دائمی قاعده نفی سبیل و جلوگیری از هر گونه سلطه کافرین بر مسلمانان، به دوستی و مشورت نگرفتن آنها و نفی وابستگی و کمک‌گیری از ایشان.

۴. نگرشی کوتاه به الگوی امنیتی ج.ا.ایران از منظر امام خمینی(ره)

گفته شد امنیت و سازو کارهای تأمین آن در کلیه ابعاد، در منابع اسلامی قرآنی و روایی آمده است. ایمان و امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تمام ابعاد امنیت و سازو کارهای تأمین آن بوده، بین این ابعاد و سازو کارها، هم پیوندی و توازن عمیقی برقرار است. این نوع نگرش به موضوع امنیت نیز در دیدگاه‌های امام خمینی(ره) قابل مشاهده است. یعنی برخلاف تمام رویکردهای غربی نسبت به ابعاد امنیت که صرفاً به ارزش‌های این جهانی و دنیوی شهروندان توجه دارند، امام اصولاً زیربنای اساسی امنیت و ابعاد مادی و غیر مادی آن را در حوزه امنیت معنوی و ایمان الهی جست‌وجو می‌کند و هدف حکومت را برقراری امنیت و آرامشی می‌داند که به دنبال آن یک سیر روحی و الی الله، و هدایت به سوی خدا پیدا شود و زمینه‌های توجه به خدا و عبودیت الهی و سیر به سوی خدا محقق شود (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۹: ۵۱). از این منظر، فقط حکومت عادلانه ای که دارای انگیزه‌های الهی، اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی انسانی باشد، خواهد توانست امنیت را برقرار، و جامعه را مهار و اصلاح کند و این همان حکومتی است که انبیا بدنبال آن بوده‌اند (همان، ج ۱۶: ۱۶۲).

بدین ترتیب در اندیشه امام خمینی(ره)، ایمان یا امنیت معنوی مبنای کسب

و دستیابی به تمام ابعاد امنیت و از جمله ابعاد سیاسی و اجتماعی آن است. امام خمینی (ره) سلاح ایمان را نیرومندترین سلاح‌ها می‌دانست و باور داشت که هیچ اسلحه‌ای با ایمان نمی‌تواند مقابله بکند (همان، ج ۳: ۳۹۲). و پیروزی انقلاب اسلامی را حاصل شکوفایی قدرت خدا و قدرت ایمان ملت می‌دانست که خدای تبارک و تعالی مقدر فرموده یک ملتی که هیچ ندارد و هیچ سلاحی به غیر از سلاح ایمان ندارد (همان، ج ۶: ۳۴۶)، بر همه قدرت‌ها غلبه یابد و با دست خدا یک سلطنت ۲۵۰۰ ساله را از ریشه برکند (همان، ج ۶، ۲۳۰). بدین ترتیب ایمان به مبادی اسلامی این کار را انجام داد (همان، ج ۶: ۳۴۶). هیچ اسلحه‌ای با ایمان و به تبع آن با قیام ملت نمی‌تواند مقابله بکند (همان، ج ۳: ۳۹۲)

امام، باور به اینکه خدای تبارک و تعالی، قادر مطلق، حی مطلق و وجود مطلق است، را نافی هر گونه حزن و سستی و موجد جلوه‌ای ایمانی می‌دانستند که به واسطه آن، سد عظیم حکومت پهلوی شکسته شد (همان، ج ۸: ۱۶۵) و امروز نیز ناتوانی ابرقدرت‌ها در برابر ایمان و اراده ملت‌ها به اثبات رسیده است. این نهضت عظیم با نیروی ایمان برپا شد و پیش رفت و آن قدرت‌های شیطانی شکست را پذیرا شدند (همان، ج ۸: ۲۲۳).

از دیدگاه امام، اصلی‌ترین خطری که متوجه امنیت و خدشه به آن می‌شود از ناحیه آفات ایمانی است. لذا مواردی مانند ضعف ایمان، خودخواهی‌ها، منیت‌ها، هوای نفس و مصادیق آن را منشأ اختلافات، اضطراب‌ها و ناامنی به شمار می‌آورند و به ویژه به ضرورت عاری بودن نیروهای نظامی از این عوامل مٌخل ایمانی تأکید می‌ورزند و بر لزوم وحدت کلمه و محبت میان آنها - در جهت افزایش کارآمدی امنیتی این نیروها- اصرار می‌کند (همان، ج ۱۷: ۱۴-۱۵) و تقویت اخلاص و ایمان و اتکال افزون‌تر بر خداوند متعال را مایه ارتقای روحیه و آرامش، رفع اضطراب‌ها و شکست‌ناپذیری دانسته و می‌فرمایند اگر ما یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت (همان، ج ۲۰: ۷۷).

جالب اینجاست که امام قدرت‌های بزرگ و مجهز نظامی و بی‌ایمان عالم را به لحاظ پیرویشان از سیاست‌های شیطانی، سرشار از احساس ناامنی و اضطراب و فقدان آرامش معرفی می‌کنند و همین عامل را دلیل ناتوانی آنها در مقابله با انقلاب ایمانی در ایران می‌دانند (همان، ج ۲۰: ۷۷-۷۸).



البته با وجود برتری بُعد معنوی امنیت در رویکرد امام خمینی(ره)، جنبه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...، که بُعد مادی امنیت را تشکیل می‌دهند، نیز نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت دارند و در حقیقت، تأمین این ابعاد و دستیابی بهینه به آنها مبتنی بر بنیاد امنیت معنوی یا همان ایمان است. به عبارت دیگر، ابعاد معنوی و مادی امنیت لازم و ملزوم و متمم یکدیگر، آن‌هم بر محور ایمان هستند. بنابراین، می‌توان استنتاج کرد که فراهم‌سازی امنیت سیاسی نیز در نظام اسلامی امری ضروری است. این بُعد از امنیت به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش، از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت به منظور تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنها است.

ضرورت تأمین تمام ابعاد امنیت بویژه جنبه سیاسی و دفاعی آن به کرات در اندیشه امام مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال، به باور ایشان هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام و بهانه کشف جرم به دنبال تجسس و اسرار زندگی مردم باشد و مرتکب استراق سمع شود و یا برای کشف گناه و جرم، هرچند گناه بزرگ، شنود بگذارد (همان، ج، ۱۷: ۱۴). امام راحل، قائل به تأمین کامل امنیت سیاسی و آزادی‌های فردی بودند و جز در مواردی که با امنیت کشور و توطئه‌های دشمنان انقلاب مرتبط می‌شد، در بقیه موارد سلب آزادی‌های فردی را مطرود اعلام می‌کردند (همان، ج، ۱۷: ۱۰۶).

از منظر امام، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۵: ۳۲۹) و با تمام قاطعیت به دنیا اعلام می‌کردند که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد (همان، ج ۲۰: ۳۲۹) و همه باید خود را فدای اسلام و دفاع از آن بنمایند (همان، ج ۱: ۳۰۷) و از اسلام عزیز و نوامیس آن در مقابل هر مهاجم پاسداری کرده و در مقابل آنها و ابر قدرت‌ها هراسی بدل راه ندهند (همان، ج ۱۷: ۴۰۲) و در تحقق کامل جمهوری اسلامی در جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۸). بدین ترتیب، امام(ره)، حفظ نظام جمهوری اسلامی و این «مولود شریف» را از اهم واجبات عقلی، شرعی و قطعی می‌دانست (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۱۴۶) ضمن اینکه دفاع و حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان جهان را نیز بر همه و از جمله بر جمهوری اسلامی، لازم می‌شمرد (همان، ج ۲۱: ۹۲-۹۱، ج ۲۰: ۳۱۹-۳۱۸).

نتیجه گیری

با مستندات ارائه شده، این پژوهش به تفصیل به سؤال مقدماتی خود پاسخ داد و با محک زدن فرضیه خویش، مدعای خود را ثابت کرد و با اتکا به شواهد قرآنی و مستندات از آرای امام خمینی (ره) نشان داد که قرآن کریم، اندیشه امام راحل ابر گرفته از قرآن کریم است [دارای دیدگاه متعالی، مدرن و کارآمد درباره مفهوم متحول و پیچیده امنیت، به ویژه در ابعاد همه جانبه معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی، و نظامی و ... است، و می توان از این آموزه ها و مبانی آن در ساخت و طراحی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی و بنیادهای آن بهره جست و حتی آن را مکتب امنیتی کشورمان به حساب آورد. در این آموزه ها و مکتب، می توان اذعان کرد که امنیت مورد ادعای آرای اسلامی، امنیت پلیسی و در سایه شمشیر و خودکامگی نیست و از عدالت، آزادی و امثال آن به نفع امنیت عقب نشینی نکرده و نمی کند، بلکه این امنیت را در سایه عدالت و آزادی و بر پایه و ملاک ایمان الهی مستقر کرده است. از سوی دیگر، در آرای اسلامی وجه دنیایی و مادی امنیت برای شهروندان و مردم، به نفع امنیت و طمأنینه معنوی، مغفول واقع نگشته و کاملاً بر همین مبنا و هم پیوند با آن، مورد توجه قرار گرفته است.

مقاله حاضر با ارائه سازوکارهای متنوع تأمین امنیت و مستند کردن آنها به قرآن مجید، راهکارهای فراوان و دقیقی را برای دستیابی به امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی معرفی کرد و با اثبات فرضیه خود بر این ادعا و نظریه پای فشرده که این مفهوم و انواع و ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در منابع قرآنی و اندیشه امام خمینی (ره) تعریف شده و با ارائه مصادیقی مشخص تفصیل یافته است. از سوی دیگر، ایمان و امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تمام ابعاد امنیت و سازوکارهای تأمین آن بوده و بین این ابعاد و سازوکارها، هم پیوندی و توازنی عمیق برقرار است و هر گونه قوت یا ضعف و ناامنی در یک بعد بر سایر ابعاد و حوزه ها کاملاً مؤثر است. امنیت و تأمین آن را باید به صورت همه جانبه نگریست و از کلیه ابعاد آن به تأمین این نعمت مجهول و مغفول پرداخت. بنابراین، می توان اذعان داشت، این مفهوم در آیات قرآنی، دارای عرصه وسیعی بوده و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیوی و اخروی را شامل می شود و با شاخصه های ایجابی و سلبی؛ از هر دو زاویه قابل تعریف و دسترسی و البته نسبی است، نه مطلق و تابع وضع و امکانات و توانایی های هر فرد و جامعه است و نباید آن را صرفاً به امکانات و تجهیزات نظامی با اندازه های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف



کرد؛ بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از مفاهیم یادشده دارد و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی، اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز اتکا و ابتدای کامل دارد.

قرآن کریم بیانگر این نکته بسیار مهم است که هرگونه امنیتی و در هر بعد از ابعاد آن، در نهایت در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی ریشه دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و ... برمی‌گردد. از سوی دیگر، مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست. می‌توان در استنتاج نهایی گفت که بنا به آموزه‌های قرآنی و اندیشه‌های امام خمینی(ره)، در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد در حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی و ابتعاد آنها از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار تأمین امنیت در نظام اسلامی است. این نظام باید سعی کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنین و تقابل با دشمنان جبهه ایمان، امنیتی همه‌جانبه و فراگیر را برای تمام شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زندگی می‌کنند، فراهم آورد و بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای زندگی این جهانی، زمینه ورود سرشار از عافیت، سلامت و ایمنی از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی تمهید سازد. بدین ترتیب برخلاف تمام رویکردهای غربی نسبت به ابعاد امنیت که صرفاً به ارزش‌های این جهانی و دنیوی شهروندان توجه دارند، اسلام و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران اصولاً زیربنای اساسی امنیت و ابعاد مادی و غیرمادی آن را در حوزه امنیت معنوی و ایمان الهی جست‌وجو می‌کند و هدف حکومت را تأمین امنیت و آرامشی می‌داند که به دنبال آن، تعالی و سیر روحی و الی الله، و هدایت به سوی خدا پیدا شود و زمینه‌های توجه به خدا و عبودیت الهی و سیر به سوی خدا محقق گردد. از این منظر، فقط حکومت عادلانه‌ای که دارای انگیزه‌های الهی، اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی انسانی باشد، خواهد توانست امنیت را برقرار، و جامعه را مهار و اصلاح کند. این همان حکومتی است که انبیا به دنبال آن بوده‌اند و چنین حکومتی جز با همراهی و مشارکت مردم و نقش تثبیتی آنان محقق نخواهد شد. بنابراین، اصلی‌ترین هدف تأسیس نظام سیاسی، تحقق جامعه‌ای توحیدی بر پایه امنیت معنوی و ایمان به خالق متعال بوده، مشارکت مردمی نیز مکمل و متمم و ابزار نیل به این هدف متعالی است، ضمن اینکه این مشارکت از جنس مسئولیت و تکلیف شرعی و همگانی است.

منابع

- قرآن کریم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- (۱۳۸۹)، «امنیت، ابعاد و سازوکارهای تأمین آن درآموزه‌های روایی»، فصلنامه حکومت اسلامی، تابستان، ش ۵۶.
- (۱۳۸۸)، «امنیت در اندیشه فارابی و محقق طوسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، تابستان، ش ۵۲.
- (۱۳۹۱)، «تعاملات مشارکت سیاسی و امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، س ۱، ش ۳، زمستان.
- خمینی (ره)، [امام] روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام (نرم‌افزار)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نسخه ۳.
- (۱۳۶۸)، وصیت‌نامه سیاسی- الهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، خرداد.
- (۱۳۶۹)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، ۲۲ جلد، تهران: سازمان مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، (۱۳۶۸ ش)، ج ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۸۰)، «اصول سیاست خارجی در قرآن»، علوم سیاسی، ش ۱۵، پاییز.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۸). تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی.
- (۱۳۷۴ ش)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۸). تهران: دوران.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی ری شهری (۱۳۶۲ ش)، میزان الحکمه، ج ۱، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تفسیر نمونه، ج ۱۰، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و دوم.
- موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۱۳ ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: مکتبه امیرالمؤمنین.

